نشریهٔ خورتخاور

مجله‌ایست ازاد فلسفی، علمی، دیانتی ماهی یکدفعه طبع وتوزیع میگردد.

نمره ۳ ماه آوغوست ۱۹۲۶ نمره ۳

محل اداره:	سال چهارم	قیمت:
قرائتخانه‌محمودیه پالتاراتسکی (عشق آباد)		تك‌نسخه‌روسیه ۵۰ کپك ایران ۲ قران.

ایتلاف علم و دین

بقیه از شماره ۱۱–۱۲

و اما ارباب حکمت و فلسفه قرون اخیره را نیز از دو جهت در اینمورد غالی از قصور نباید دانست یکی آنکه ابرام و اصرار روحانیان ظاهر بین که بقشریین معروفند در حمل آیات کتاب مبین بر ظواهر امر را بر آنان نیز مشتبه ساخت بدرجه که این مسئله را بدون غور و تحقیق و تعمق و تدقیق مانند یکی از حقائق مسلمه پذیرفتند و با انکه وظیفه شخص حکیم درك حقایق و کشف علل اشیاست در این قضیه بتقلید علمای کوتاه نظر ریاست پرست دینی اکتفا نمودند و چون ظاهر بعضی از آیات کتب مقدسه با مسائل علمیه که نزد ایشان مسلم و محقق بود مخالفت داشت العیاذ‌بالله آنرا موهوم و بی اساس دانستند و ببصیرت کاشفه و نظرثاقب خود در کتاب مقدس تورات و صحف انبیای بنی اسرائیل و انجیل جلیل نظر نکردند که سراپا رموز و امثال است و مقصود علمای دینی از تمسك بظاهر لفظ و عبارت صرف چشم بندی و اغفال. مثلا واقعه مجاهدت و کشمکش مسیح را با نفس در مدت چهل شبانه روز که‌گاهی انحضرت را به‌ریاست

©Afnan Library Trust, 2026

دینی و وقتی بریاست دینوی ووقتی بتحصیل لذائذ جسمانی دعوت مینمود وبالاخره آن بزرگوار جمیع تقاضاهای نفس را رد و ترك و بدعوت ملکوت اقبال و توجه فرمود و در انجیل متی بامتحان ابلیس تعبیر گردیده و در هر کلمه ان بابی از حکمت وحقیقت مندرج است علمای روحانی بر رد عقیده بکرویت زمین در مقابل فلاسفه جدیده شاهد میاوردند که مکتوب است (شیطان انحضرت را بر بالای کوه بلندی برد و تمام ممالك دنیارا باو نشان داده گفت بر زمین افتاده بمن سجده کن تا تمام انها را بتو دهم) این عبارت دلیل مسطح بودن زمین است زیرا هر قدر کوه بلند باشد نهایت یکطرف آنرا توانند دید و این مغلطه روحانیین امر را بر حکیم دانشمندی مانند ولتر فرانسوی مشتبه گردانیده که همین عبارت انجیل را بر عدم اطلاع نویسنده آن بکرویت زمین دلیل قرار میدهند و یا مانند ریختن ستارگان بر ارض که در انجیل از علائم رجعت مسیح در اخر ایام مقرر گردیده و ستاره در ادبیات هر قوم و ملت از باب تشبیه و استعاره بعلمای دینی اطلاق میگردد زیرا چنانچه در غیبوبیت شمس ستارگان زمین را روشنی میبخشند و گمگشتگانرا براه راست هدایت مینمایند کذلك بعداز غروب شموس حقیقیه یعنی انبیا و رسل الهی عزت و رفعت و ضیاء ادیان و هدایت ناس بصراط مستقیم ایمان مربوط بعلمای حقه هر دین و ائین است ولکن این علما در اواخر ایام بمرور زمان مظالم و تاریك و از مقام رفعت و علو اولیه ساقط میگردند و بعوض هدایت قوم و ملت خودرا بذلت و ضلالت کبری میاندازند و این از علائم انقضاء آن دین و آئین میباشد اسافه ز پاپها بر رد قول فلاسفه که نجوم را هر یك کره مانند زمین بلکه اعظم از آن و متحرك در این فضای بیپایان میدانند دلیل میاوردند که اگر این کواکب هر یك چنان باشد که فلاسفه گویند چگونه ریختن انها بر زمین گنجایش و امکان دارد فلاسفه نیز این اقوال را باورداشته و عبارات کتب آسمانی را مخالف مسائل محققه علمیه شمردند.

و قصور دیگر انکه چون فلاسفه دیدند که بر فلسفه الهیه فوائد ملکی ترتب نمیابد بلکه مقاصد جاه و عزت و ثروت و رفعت از تعلم طبیعیات و ریاضیات بحصول می‌پیوندد منجمین و اطبا و اهل صنعت و مساحت و حساب در دربار سلاطین صاحب مناصب عالیه و در نزد خلق محترم و عزیز و دارای شئون عالیه و مقامات رفیعه میباشند بر عکس الهیین که جز ریاضت و انزوا شغل و سمتی ندارند لهذا از اقسام فلسفه بتعلیم و تعلم طبیعیات و ریاضیات اکتفا کرده الهیات را بر طاق نسیان نهادند و نظر باینکه از اقسام ثلثه فلسفه فقط الهیات بماده احتیاج و تعلقی ندارد لکن

©Afnan Library Trust, 2026

طبیعیات درخارج وریاضیات هم درذهن و هم در خارج محتاج بماده هستند و در این دوشق اخیر مدرك حس ظاهر معتبر است لهذا در مدارس اروپا بتدریس و تعلیم طب و میکانیکی و ارتیماطیقی و کیمیاوی و علم احوال و حساب و هندسه و نجوم و امثالها شیوع و رواج یافت و چنانچه گذشت مدارك اینعلوم تجربه و مدارك تجربه حواس خمسه ظاهره است متدرجا در اذهان طلاب علم و فلسفه چنین رسوخ یافت که مدرك علم فقط حس است نه عقل و لکن از این نکته غفلت نمودند که حقایق کل معقول و مجهول و انچه بحس ظاهر ادراك میکردد فقط صور و آثار و خواص اشیاست و نتیجه این اشتباه نیز یقین بعدم توافق علم و دین کردید زیرا بعقیده فلاسفه جدیده علم نتیجه تجربیات و اساس دیانت مانند اعتقاد بوجود باری و بقاء روح و مجازات و مکافات روحانی بر معقولاتست در صورتیکه علم عبادت از صور حاصله از اشیاست در ذهن تصورا او تصدیقا وتصدیق جز بقوه عقل صورت نه بندد وبعباره اخری حس ظاهر صور یا اثار اشیارا درك و عقل از این تصورات نتیجه ماخوذه را تصدیق مینماید مثلا بتجربه می بینیم در مسافرت از دور اول عمارات عالیه شهری نمودار میشودو هر قدر نزدیکتر میائیم خود شهررا خواهیم دید یا اینکه در دریا اول دکل کشتی مشهود میکردد و هر قدر بساحل نزدیك شود بتدریج تمام کشتی نمودار میکردد یا اینکه اکر فرضا بطرف قطب شمال حرکت کنیم متدرجا ستاره جدی را از افق مرتفع تر مشاهده خواهیم کرد و چون بنقطه قطب رسیم ستاره مذکور بالای سر ما واقع خواهد بود آنکاه عقل از این تصورات کرویت زمین را تصدیق میکند یا آنکه دو طرف حجر مغناطیسی آهن را بخود میکشد لکن دو طرف دیگر و وسط آن جذب نمینماید از مشاهده این اثر عقل تصدیق میکند در این سنك قوه وجود دارد که خاصیت آن جذب آهن و دارای دو طرف جاذبه و یك خط بیطرف است پس چه فرق مابین این قضیه هائیکه الهیون و ادیان در اثبات وجود باری و روح و عقل ترتیب میدهند از قبیل اینکه می بینم از جمله مکونات انسان دارای عقل و اراده و اختیار است و طبیعت فاقد این آثار لابد این هیکل مکرم را صانعی متصف بصفت عقل و اراده و اختیار شاید نه طبیعت مجبور بی شعور یا آنکه روح و عقل دارای اثرات باقیه هستند و بر شیی فانی اثر باقی مترتب نمیکردد زیرا انفکاك اثر و موثر از یکدیگر ممتنع و محالست و خلاصه الکلام از مقدمات سابقه بوضوح پیوست که میانه علم و دین اساسا ضدیت و مباینتی نیست و مخالفت موجوده کنونی از علل و اسباب تاریخی و سوء تفاهم نشئت و حدوث یافته که برفع آن ایتلاف اولیه عودت و کره خاك را اینه سراپای جنت

©Afnan Library Trust, 2026

نماید و راهی که امروزه بهائیت برای اجراء این مقصد عالی اتخاذ و باب ورود در سراپرده دیانت‌را بسبب نزول کتاب مستطاب ایقان بروجه صاحبان علم و فلسفه باز نموده اولا شرح و تبیین و کشف رموز و استعارات و تشبیهات وارده در کتب مقدسه است موافق تفسیر و توضیحاتی که در متون صحف سماویه ورود یافته چه‌که انبیای الهی برای حل عبارات مرموزه کتب الهیه مفتاحی جهت طالبان حقیقت در متن کتاب بودیعت گذاشته و ناس را از تمسك باراء و اهواء فاسده در تاویل متشابهات کتاب مستغنی داشته‌اند و ثانیا بدلائل محکمه متقنه اثبات مینماید که حس ظاهر برای حیوانات میزان ادراك است لکن برای انسان عقل تابناك و امتیاز انسان از حیوان درك معقولات و اکتشاف مجهولات از معلومات است و بدین سبب خدمتی بزرك نسبت بعالم انسانیت اظهار و ضدیت و مخالفت دین و فلسفه را بر کنار کرده‌اند ولی افسوس که امروزه قدر این موهبت عظمی مجهول است و نزد اکثر ناس غیر مقبول ولی تجربه و تاریخ اثبات نموده که حقیقت واضحه و حجت لامعه هر چند دیرگاهی در خلف حجاب شك و ارتیاب مستور ماند بالمال در غایت جلوه و جمال چهره کشاید و منکرین و مغرضین بکمال محبت و اشتیاق بدان مذعن و مصدق و بکلمه یا حسرتنا علی ما فرطنا فی جنب الله ناطق گردند.

س. م.

زبان بین‌المللی اسپرانتو

دکتر زامنهوف یکی از صلح طلبان حقیقی است

(بقیه ازشماره قبل)

در شماره قبل مذکور شد که واضع وموءلف زبان‌عمومی بین‌المللی «اسپرانتو» دکتر زامنهوف لهستانی است این مرد بزرك درخانواده اهل علم وتربیت پرورش یافته و بزرك شده‌است و پدرش بمعلمی مدرسه وتدریس السنه انگلیسی وفرانسوی امرار حیات میکرده و عمر خودرا در راه تعلیم وتربیت ودر موءسسات معارفی بسر برده‌است ازبدو صباوت آثار هوش وذکاوت و علائم درایت و فطانت از جبهه و ناصیه زامنهوف نمودار وپدیدار و خویشاوندان ونزدیکان وآشنایان خانوادمش وی‌را اشخص غیر عادی تصور کرده به‌پدرش ازداشتن چنین فرزندی تبریك و تهنیت میگفتند

©Afnan Library Trust, 2026

زامنهوف خیلی زود داخل مدرسه شد یعنی ازموعد معمولی تحصیل زود ترمیل در او پیدا کشت و در سن چهار پنج سالگی خواندن و نوشتن زبان مادری را آموخت.

درمدرسه دروس تاریخ ومسائل اجتماعی بیشتر توجه اورا جلب میکرد اغلب توجه و دقت خویش را بحل مسائل عمومی بشری مطالب اجتماعی دنیائی معطوف میداشت خیلی متفکر بود و پیش خود در نهایت مراغبت مسائل مهمه معضله اجتماعی، را حل و فصل میکرد اختلاف السنه اقوام بشر و مغایرت اصول تفهمیه ملل باعث تحیر و تعجب اوشده همواره سعی میکرد که بوسیله راه حلی پیدا کرده واین مبابنت واختلاف را از بین بشر بردارد او عقیده داشت که اغلب تعصبات واختلافات ناشی از تعدد السنه وعدم تفاهم است برای رفع این مانع بزرك اتحاد بشر بیست سال زحمت ومرارت کشید ودارائی خودرا دراین راه گذاشت و جمیع قوای خودرا در این کار صرف کرد وپس ازاینکه از دارلفنون طب باخذ دیپلم دکتری نائل شد بمعالجه مرضی پرداخته وانچه عاید او میشد صرف نشر واشاعه مرام ومقصد خویش میساخت.

کتبی را که تالیف وطبع ونشرمیکرد مجانی و رایکان بمردمان تقسیم میکرد و میبخشید و باینوسیله روز بروز وضعیت اقتصادی زندگیش خرابتر و زمینه امور مادیش پست‌تر میگشت تا اینکه فقر و احتیاج مصاحب و همراه این حکیم دانای آگاه میشد اورا خانه‌نشین و مسکین ساخت از همه بدتر مردم وجماعت نتیجه زحمت ومرارت چندساله اورا بخوبی تلقی نکرده و اهمیتی وتوقیر واعتنائی باونمیگذاشتند و حتی نسبت جنون وسفاهت بوی میدادند و برای معالجه باو مراجعه نمیکردند و همواره از او در احتراز بودند.

ولی اومقاومت جمیع تحمیلات کمرشکن طبیعت‌را کرده ودر مقابل فقر وفشارحیات ایستادگی نموده پای مردانکی را عقب نگذاشت سختی وتنگی بی‌پولی واحتیاج‌را را متحمل شده نسبتهای بی‌اساس مردمان وتیرهای ملامت حاسدین ودشمنان را بر خود خریده بدستیاری اراده توانا وعزم ثابت با جمیع ناملایمات مقابلی کرد بلکه قدم خودرا بسوی مقصد وسیعتر برداشت وبازوی جدیت‌را قویتر ساخت وکمر همت را محکمتر کرد. وفقراء و کم بضاعتان و مسکینان را با توجه ومواظبت و پرستاری ومعالجه نمود ورویه محبت وشفت باعموم را پیشه گرفت وانچه از دستش بر میامد وبرای او امکان داشت در راه خدمت بمردم از هر کونه کمك و مساعدت مضایقت وکوتاهی نکرد کم‌کم اعتماد مردم باو زیادتر شده ودر معالجه باو بیشترمراجعه کرده همواره اورا کمك و مساعدت مینمودند وازانجائیکه در طبیعت هر فقری را غنا در پی و هر تنگی را گشایشی ازعقب وهر نزولیرا صعودی از پس وهرنشیبی

©Afnan Library Trust, 2026

را فرازی در جلو است چیزی نگذشت که‌جریان وضعیات اقتصادی اوبمجرای‌طبیعی بازگشت نمود وروزنه امید وسعادتی‌بروی او بازگشت لذا باجدیت وهمتی بیش از پیش کار دیرین‌را از سر گرفت دائره خدمت اجتماعی خودرا توسعه بخشید و مجددا به‌نشر کتب ومجلات و روزنامجات پرداخت.

در اینوقت‌است که‌پس از بیست سال زحمت ومرارت استطاعت پیدا میکند که در اولین کنگره بین‌المللی اسپرانتیستها حاضر شود و نتایج زحمت خودرا عملا و حسا مشاهده نماید. این سالست که خوشبخت‌ترین سنوات عمرزامنهوف‌محسوب و بهترین ایام حیات او شمرده میشود.

از اینوقت است که نتیجه زحمات بیست‌ساله‌این‌حکیم‌دانشمندیعنی‌زبان‌بین‌المللی اسپرانتو خود بخود بین اقوام و طوایف و ملل و قطعات پنجگانه کره انتشار یافته و روز بروز عده طرفداران‌وتحصیل‌کنندگان ان افزایش می‌یابد.

این حکیم بزرك بیست سال عزیز-ترین وبهترین قسمتهای عمر خودرا وقف تهیه یگانه وسیله ارتباط بشر یعنی زبان بین‌المللی نمود و دقیقه یاس و ناامیدیرا بخود راه نداد ومساعی و قواء وسرمایه و دارائی خودرا ازانچه هم که بدست میاورد در این راه خرج وصرف میکرد بواسطه استقامت تحیر انگیز وثبات عزم بیمانندش عموم دوستان و یاران حتی حسودان و دشمنان خودرا مات ومبهوت ساخت.

دکتر زامنهوف از مسالمت جویان و صلح طلبان طراز اول جهان است همیشه شاگردان و دوستان خودرا باتحاد واخوت دعوت میکرد وبه‌نشر ورواج اصول ومرا-میکه اتفاق ومحبت عمومی‌را در برداشته باشد وصیت مینمود تعصبات ملیه وقومیه را باعث هدم اساس عالم انسانیه میدا-نست ومباهات وتفاخرات و متمسکات ملل را ناشی از عدم بلوغ بشر بمرحله‌تمدن و تربیت حقیقی فهمیده بود.

و اختلاف زبان و تعدد السنه و عدم تفاهم طوایف را بزرگترین مانع ومهم-ترین علت اتحاد و اتفاق اعضای خانواده بشری فرض کرده بود.

پیروان عقیده ومسلك او که‌بمناسبت زبان اسپرانتوانهارا «اسپرانتیست» میگویند امروزه در جمیع بلاد مهمه ومراکز عظیمه دنیا به‌نشر این‌عقیده و ترویج این مرام مشغول واز این حیث خدمت بزرگی‌بصلح عمومی ومسالمت وآسایش کلی دنیامیکنند واقوام کثیره را از نژادهای مختلف وملل متفاوت بایکدیگر مهربان و رؤوف و هم عقیده وهم‌فکر کرده‌اند و باینوسیله زمینه مساعدی را برای صلح عمومی دنیا حاضر وافکار مردم‌را مستعد وآماده میسازند.

©Afnan Library Trust, 2026

پس هر آینه لودویك زامنهوف موٴسس وبانی این عقیده ومسلك وموٴلف زبان بین‌المللی اسپرانتو را میتوان یکی ازصلح طلبان جدی و از خادمین حقیقی عالم انسانی محسوب داشت.

اگر توفیق یاری کند درشماره آتیه چگونگی زبان بین‌لمللی و اساس اختراع وپیدایش وترکیب‌بندی این لسان ومزایا وامتیازات آن را بر السنه موجوده مذکور خواهم داشت.

بقیه دارد.

بدیع الله محمود زاده.

بهائیت و قادین

بشریت تاریخنده کچن قرنلرك اك پارلاق و مهمراقی اون دوقوزنجی‌قرن حساب اولنور چونکه بو مبارك عصرده عقللر فوق‌العاده ترقی ایدوب، و اونك برکتندن علم و معارف نورلری پارلایوب هنر و صنعتلر سرعتلی قدملر ایله شاهراه ترقیه یوز چویروبدر، بو نورانی قرنك عظمت و میمنتك بیوك دلیلی بهاءالله حضرتلرینك ظهور ایتمه‌سیدر، که بشریت عالمنك گله‌جك سعادت و ترقی ایتمه‌سنه برنجی اساس‌در بوندان اوتریکه بو ظهور مبارکك برکتندن خلقك عقل و دراکه‌لرنده بیوك بر انقلاب اویانوب و بشر اولادنیك نظر یاتی باشقه یول تاپمشدر حتی اویله‌مسئله‌لر یوزه چیقوب، که بوندان قاباق نوع بشره او باره‌لرده مذاکره قاپوسی باغلو ایدی.

او مسئله‌لرك جمله‌سندن قادینلر ایله کشیلرك برلیك و برابراگیدر که بهائیت اساسلرینك اك مهملرندن بری، و انسانیت عالمنك ترقی اینمه‌سنه بیوك بر سبب‌لردندر وقتیکه تاریخه نظر اینسه‌ك گورمرز که قادین ایله کیشی آراسندا هیچ بر وقت برابرلیك اولمیوب و همیشه بشر هیکلنك بر قسمتی اوبری قسمتنك النده اسیر و اله باقیجی اولمیشدر. افواها بویله دیورلر وقتیکه انسانلار اجتماعی عالمنك اك آلچاق درجه‌سنده یاشایوردیلر، کشیلر قادینلرك محکومی ایدیلر و قادینلر کشیلره حکمرانلق ایدیوردیلر.

بر حده که اوشاقلر فقط آنالرینی تانیوردیلر و او زمانده هر اوشاقك نسبتی آناسینه ایدی بویله که ایرانك بعضی کندلرنده کیشی آناسینك واسطه‌سیله تانیلیور اکر بز بو مطلبی: که بر وقت قادینلر کشیلره حکمران ایمیشلر دیه تصدیق اینسه‌ك یقین بیلرز که بویله اوستونلیك و حکمرانلق آز

بر زمان اولمشدر و تیز بر وقتده بو رسم و عادت ترك اولنوب بیوکلیك و حکمرانلق کنده کیشیلرك اختیارینه کچمشدر بویله که اونك اثرینی بو گون اوز گوزومز ایله گوریرز. علی‌الخصوص شرق مملکت‌لرنده بیچاره قادینلر سانون آلما قول کیمی کشیلرك محکومی‌درلر اگر چه متمدن مملکت‌لرده مثلا آورپادا آمریکادا قادینلر بر اندازه آزاد حساب اولنورلر بویله که اوراده اولان عادت و رسملرك گوستردیگنه گوره بعضی موقعلرده قادینلر کشیلردن مقدم درلر اما بیز بو سطحی حالتی میزان بیلمیورز چونکه او مملکتلرده گنه‌ده قادین ایله کیشی برابر دگلدر بویله که حکومت اداره‌لرنیك و دولت مجلسلرنیك ریاست مقامنده فقط کشیلری گوریرز اکر فی‌الحقیقه قادینلرده کشیلر ایله برابر اولسه ایدیلر اونلارده کشیلر ایله باهم ایشلرده برابر اشتراك ایتمکلری لازم ایدی و اگر ندرتا بر قادینی بر ایشك مصدری مشاهده ایتسه‌ك بو حالتی ده گنه اونك باشقه باجیلرنك کشیلر ایله برابر اولماقلغنه میزان قرار ویره بیلمه‌رز ایندی بر آز دوشونمك گرهك که آیا حقیقتاده قادین ترقی ایتمکه قابل دگل‌میدر؟ آیا فطری قانون ایله کشیه محکوم اولماملی‌میدر آیا قادین عقل و هوش و استعداده دارا دگل‌میدر آیا قادین اصل خلقتده اجتماعی مسئله‌لرده اشتراك ایتمکه حقلی دگل‌میدر؟؟؟ بر مختصر فکر ایدنلر نصکره دیه‌جگز که یوق بویله دگلدر! نجه که کشیلر قابل ترقی‌درلر قادینلرده استعداد دن محروم دگللر و اگر حال حاضرده خصوصا شرق مملکتلرنده قادین اولنجی گورنشنده کشیلردن ضعیفراق نظره کلورسه‌ده همان او ضعیف‌لیك تاریخك دیدیگنه گوره مین ایللر ایله کشیلر طرفندن وارد اولان جسمانی و روحانی سیقنتی‌لرك اثرلندر ملاحظه ایدیکز اگر فرضا بر کیشی ایگرمی ایل حبسده قالسه گوره‌رز که نه قدر اونك قوت و استعدادلندن آزالیور پس قادینلر نجه مین ایل‌لیك اسارتده یاشاماقلر ایله برابر گنه چوق ایش گورولر که بو قدره کیمی اوزلرینی محافظه ایدولر.

تاریخ بیزه اویله قادینلر نشان ویریور که اوز زمانلرینده نجه درجه کشیلردن استعدادلی و شرافت‌لی ایمشلر او جمله‌دن مریم مجدلیه‌نی ملاحظه ایدگز که اونك همت و غیرت تشویق و تحریص سایه‌سنده حضرت مسیحك دیانتی حسب ظاهرده عالمده انتشار تاپدی و اگر اونك سعی جدیتی اولماسه ایدی حضرت مسیحك حواریلری پرا کنده اولوب نصرانیت رسمی بکلی یاندان چیقاردی و یا حضرت طاهره‌نی میزان قرار ویره‌رك که حضرت بابك امرینك قاباقا گیتمك‌لیگنده کشیلر ایله برابر اشتراك ایدیوردی تقریر لسان و حلاوت بیان‌ده مثل و مانندی یوق ایدی، دها بولر کمیلر.... تاریخ صحیفه‌لرنده چوق قادینلر تاپولمشدر که کشیلرك فخری

©Afnan Library Trust, 2026

حساب اولنوبـرلر دها بویلـه اجتماعی ایشلرك باشقه مسئلهلرنده چوق قابل قادینلر عالمده پیدا اولمشدرلر. پس قادین هم کیشی کیمی تـرقی ایتمگه قابلدر و اجتماعی ایشلرده کشیلر ایله برابر اشتراك ایتمكلیگه حقلیدر.

هشتاد اوچ ایل بوندان اقدمه نسبت (که هنوز بهاءالله حضرتلری ظهور ایتمه‌میشدی) بو گون قادینلرك حالی چـوق یاخشی اولوب بویله که بو ظهور مبارکدن قاباق هامو ایچون و مخصوصا شرق ملتنه قادینك محکوم اولماقلق مسئلهسی مسلم اولان مسئلهلردن بری حساب اولنوردی حتی بر چوقلری اویله گمان ایدیوردیلر که قادینك انسانلقدد حقی یوقدر، بویله بر وقتده بهاءالله حضرتلری قادینلر ایله کشیلرك اجتماعی حقوقده بـرابـرلیك و مساوات مسئلهسینی اهل عالمك قولاغنه چاتدردی و بـرابـرلیك تاجنی قادینلرك باشنه قویدی بهائیتك دشمنلری خلقـك افکار و ذهنین مغشوش ایتمك ایچون مبن درلو حیله و دسیسهلر بهتان و افترالـره تشبث ایتدیلر بویله که بعضیلری بو مسئله شریعت و دیانته مخالفدر دیدیلر وبعضیلری طبیعت‌قانون ایله منافات اولماقین سویلهدیلر و آخرده بـر جمعی حیلهلرك آلچاقی اولان تهمت و افترایـه قیام ایتدیلر و اویله رکیك نسبتلر ویـردیلر که قلم اونلری تکرار ایتمکدن حیا ایدیور اونلاردان علاوه حتی حال حاضرهده اوزلرینی موهوم و خرافاتدان فارغ بیلنلردن بعضیلری بویله گمان ایدیورلر که بهائیلر اوز آتالرینك قادینکدن باشقه هر کسی ایستهسه آلا بیلرلر و کتاب اقدسك آیاتنی ذهنلری مغشوش ایتمك ایچون غلط و کج معنی ایدیورلر. ولی بهائیلر (بو گونه افترا و تهمت نسبت ویرمگی اوزلرینه فخر حساب ایدن محترم وجودلرك) جوابنده اوز عمل و رفتارلرینی بو مسئلهده نشان ویریورلر چونکه عمل اویله بر دلیلدر که هر تنقید ایدهنك آغزینی باغلار و مبن دانه دوغـری و یالان سوزدن عین زمانـده عملك حکمی محکمراق و نفوذلیدر.

بهاءالله حضرتلرینك قادینلر آزادلقی خصوصنده بیوران کلمهسینك اثرلری هر دقیقه و ساعتده ظهور و بـروز اتمکده در حتی بهائی اولمیانلرده بوگون بویولد چالشیورلر و نیز اولار یتشسون او گونکه بهاءالله حضرتلرینك فرمایشینك نتیجهسی گونش مثالی اطراف عالمده پارلاسون بهائیت دیور که قادین و کیشی هیئت جامعه ایچون ایکی قاناد کمیدرلر هربریسی معطل قالسا او بریسنکده ناقص قالماسنه سبب اولاجقدر اللهك نظرنـده کیشی و قادین یوقدر قادینلر تماما اجتماعی حقوقده کشیلر ایله بـرابـر اولسون کرهك بـو خصوصده عبدالبهاء حضرتلری بعضی بیانـاتنده بیوروبدر که‌هروقت قادینلر کشیلر ایله باهم حکومت موسسهلرنده اشتراك ایتسهلر

©Afnan Library Trust, 2026

او وقت یر یوزنده دعوا و جدال بالطبع اورتالقدان گوتوریله‌جکدر و هیچ بر قادین اوز اولادینی دعوا میدانده گوندرمگه راضی اولماز.

پس هر بهائی اولان شخصك اولنجی وظیفه‌سیدر که قادینلر ایله کشیلرك مساوات و برابرلیگی‌نك قاباقا گیتمه‌سنه سعی ایله‌سون چونکه اونسز نوع بشره سعادت یوز گوسترمیوب بلکه انسانیت عالمی همیشه فلاکت و بدبختلیگه گرفتار اولاجقدر و اما قادینلره ترقی ویرمك و اونلرك کشیلر ایله برابر اولماق مسئله‌سنده نظریات مختلفی در و بز بوراده هانسیکه نتیجه‌یه یاقین‌راقدر مختصر اولماق ایچون باشقه‌لرندن صرف نظر ایدوب فقط بهائیت دستور العملنی ذکر ایدیرز بهائیت دیور که: قادینك برابرلیك و ترقیسی نك ظاهری صورتی تغییر ویروب و اوزینی کشیلره سطحی بر طرزده تشبیه ایتمکدن عبارت دگلدر بلکه اونك انسانیته لایق اولان کمالاتنك و روحانی صنفلرینك قاباغا گیتمك‌لکنده سعی لازمدر. قادینلر آراسنده حکمفرما اولان موهومات و خرافاتی رفع ایتمك ایچون چوجوقلرك تربیه و تعلیمندن اوتری هانسیکه بشریت هیکلنك گله‌جك اعضالریدرلر قادین علم و بیدگی اوگرنمك‌لیکدن علاچسزدر معلومدر که عالمه قادینك اوشاقلری موهوم و خرافات پرست اولا بیلمز بوگا بناء بهائیت قیزلریك مجبوری صورتده تعلیم اولنماسنی اوغلانلرك تعلیمندن مقدم قرار ویروب وبو خصوصده (یعنی اولادیك تربیه و تعلمنده) هیچ آنا و آنانك عذری قبول اولونمیوب بلکه‌ده غفلت ایدنلرك گناهلری باغشلانمیان گناهلردن حساب اولنمشدر.

بشر نسلینك روحانی و جسمانی حفظ الصحه‌سندن اوتری که بونك لزومنی هیچ بر کس انکار ایتمز بهائیت قادین و کیشی بگه‌نیلمیش اخلاق ایله پاك و پاکیزه ادب و حیا عصمت و عفته توصیه ایدوب و بیوریر: پاك و پاکیزه‌لیك اهل بهانك بیوك خصلتلرندندر مومن و خاطر جمع اولان قادینلر کمال تنزیه و تقدیس عفت و عصمت و حیاده مشهور آفاق اولسونلر تا عموم اونلرك پاك و پاکیزه‌لگنه و حسن کمالاتنه شهادت ویرسونلر زیرا که یوز مین ایلك عبادتندن عصمتك بر ذره‌سی یاخشیراقدر» خلاصه قادین و کیشی بو یوقاریده ذکر اولنان آداب و کمالاته مهربانلق و الفته امانت و صداقته وخشیه‌الله (یعنی آلله قورقوسی) که اخلاق حسنه‌نك سردلریدر توصیه بیوریر چونکه بو خصلتلرك اوامادیقندن انسانیت عالمی فساد اخلاق حیوانیت فسق و فجور و نالایق عملاره گرفتار اولوب دیانتی شاهدلر ایله علاوه بلکه ظاهری علملرك‌ده تصدیقی ایله کله‌جك بشریتك نسلینك خراب و مضمحل اولماسنه سبب اولاجقدر دها بویله قادینلری تدریج ایله گروك اجتماعی ایشلره

©Afnan Library Trust, 2026

آشنا ایدوب و خدمت یولینی اونلر ایچون آچمالیدر بو مسئله‌لر تحقق تاپان‌صورتده معلومدر که قادینلر کشیلردن قاباقا کچوب بشریت عالمنی اوز اشتراکندن ملکی و ملکوتی ایشلره وسعت ویرمکندن سعید و خوشبخت ایده‌جکلر بودر که بهائیت اوامرینك اقتضاسنه و حضرت ولی امرالله‌ك دستور العمللرینه گوره بهائیلرك محفل روحانیلری ظاهر او باطنا قادینلره ترقی ویرمك مسئله‌سینی عملا ظهوره و بروزه گتورمك ایچون نهایت جد و جهد ایدیورلر و هر بهائی اولان شخص ایچون بو مسئله‌نك انجامنده اوز محفل روحانی‌سنه کمك و همراهلیك ایتمه‌سی اولنجی تکلیف و وظیفه‌لردندر.

ایرانلی

باعث ترقی و تنزل ملت ایران چیست؟

هر متجدد فهیم و دانای خبیری که بر حالت روحیه ملت ایران و سیر تکامل بشری و ترقی نوع انسان اطلاع دارد تصدیق میکند که باعث تنزل ملت ایران جهالت و خرافات وموهومات بوده که بمرور ایام در عروق و اعصاب آنان جایگیر شده و ایرانرا بفلاکت و بدبختی کنونی سوق داده‌است.

از طرف دیگر زمامداران و متنفذین بواسطه نیل بمقاصد خویش تخم نفاق و اختلاف را در میان مردم بوسایل گوناگون کاشته در نتیجه جماعت هم بدو قسم منقسم شده بر ضد یکدیگر قیام نموده بدرجه‌ئیکه عاقبت کار منجر بجنك و خونریزی شده سالهای متوالی هر یك بر انعدام دیگری کوشش نموده بدست خود وسایل تخریب و کشتار نوع خویش را فراهم ساختند این است که آن ملت همواره در خواری و ضلالت و ذلت و فلاکت و در حالت وحشیگری و حیوانی و جهل و نادانی باقی مانده است و اگر حال هم بدین منوال بگذرد چیزی نخواهد گذشت که ایرانرا ویران و ملت و وطن عزیز خودرا از دست خواهند داد مگر انکه در سایه تعلیمات مبارکه حق و اجرای حدود و اوامر الهی که از آنجمله تحصیل علم و معارف و کسب تمدن و فنون است همت و جدیتی نموده و خودرا از چنگال جهالت و بدبختی رهائی دهند.

اگر اهالی ایران پیروی فرمایشات حضرت رسول اکرم‌را مینمودند هیچوقت دچار این ذلت وفلاکت نمیگشتند اهمیت

©Afnan Library Trust, 2026

تحصیل علم و معارف را از اینجا میتوان کشف کرد که انحضرت بعبارات مختلفه در موارد متعدده مردم را بمراتب فوق تشویق و تحریص نموده ازانجمله میفرماید: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» همچنین «اطلب العلم ولو بالصین» همچنین «اطلب العلم من المهد الی اللحد» و در این قرن نورانی که افتاب علم و دانائی با علی درجه بلندی رسیده و هزار گونه کارهای ناهموار و دشوار را سهل و آسان کرده هنوز هم اهالی ایران در خواب غفلت فرو رفته و از این بستر هولناك برنخواسته‌اند در همچو وقتی از بین این ملت حضرت بهاءالله ظاهر و برای رهائی دادن اهل عالم بالاخص ملت ایران از گرداب ذلت و نادانی تحمل همه گونه صدمات و مشقات نموده جان خود و جمعی را فدای این مقصد عالی ساخت و نوع بشر را به محبت و یکانگی و ترك تعصبات و موهوم پرستی و تحصیل علم و کمال دعوت نموده و آسایش نوع انسانرا منوط به ترویج و تهذیب اخلاق و ترك جنك و جدال فرمود و در اثر این تعلیمات عده کوی سبقت را ربوده و از نکبت و فلاکتی که عموم را احاطه کرده است خلاصی یافته و بسعادت حقیقی فائز شدند و بر عکس کسانیکه فریفته و مقلد علماء سوء بودند بحالت غفلت باقی مانده و خباثت ذاتی خودرا بروز داده باذیت و ازار برخواسته و متجاوز از (۲۰) هزار نفر از پیروان این ائین را بخون اغشته کردند و خود همان طور کور و کرمانده و روز بروز بروسائل انعدام وانهدام و جهل خویش افزودند بدرجه‌ئیکه الساعه وجودشان در عالم بی‌ثمر و در نزد ملل متمدنه در شماره و حوش و سباع بشمار میروند.

پس خوب است تا وقت باقی است وسائلی فراهم آورند و از این دین و ائین که عالمرا بنور خود منور ساخته محروم و از قافله ترقی باز نمانند زیرا به یقین مبین سعادت و عزت و آسایش راحتی و خوشی عموم بنی نوع انسان در این ائین است و بس

۲۰ مای ۱۹۲۶

عباس احمد ای

©Afnan Library Trust, 2026

طریق وصول باسایش.

اگرچه خورده بینان هوشمند دریافت نموده‌اند که بسیاری از نفوس خفاش وار جلوه جولان و خودنمائی خودرا در فقدان آفتاب دنش دانند واز وفور جهل ستر عیوب خویش‌را در توضیح و اثبات قصور ادراك اولی‌الالباب شناسند و بعبارت اوضح علو-شاءن خودرا در نزول رءای ومقام دیگران و عزت خویش را در ذلت امثال پندارند فلهذا محال است که رءای دیگرانرا بر رءای خود ترجیح دهند وخطا را از صواب تشخیص توانند ولی امید از منصفان صافی ضمیر وخیرخواهان صاحب تدبیر چنان‌است که بمفاد انظر الی ماقال ولاتنظر الی من قال دقیقه چند بنظر فطرت که‌مقدس ازحب طرفی و بغض جهتی باشد ملاحظه فرمایند نزد مجاهدین بصیر وموشیاران خبیر پوشیده نیست که دانشمندان هر کروه و واقفین هر فرقه رفع اختلافاتیکه سبب جنك و جدال وباعث بیکانکی و اضمحلال نوع بشر است مشروط باتباع قواعد وقوانینی تصور نموده ومنوط باجرای آن دانسته‌اندوهریك موافق ذوق خویش و مطابق مقاصد خود مذاکراتی مبنی بر محسنات اظهارداشته‌اند و از انجائیکه این قرن فخیم را جنبش و این بهار بدیع را جوشش و پرورشی معلوم‌ومشهوداست وباین اقتضا هرذی روحی بهوائی‌سایر و هر طیری بنوائی‌ظاهر این نماله را نیز مطلبی بخاطر خطور نموده و چون نیت محض خیر و آسایش عموم است وبقرائنی‌چند صحتش نزدبیغرضانیکه سعیشان جز اصلاح عالم‌و آسایش بنی آدم نیست واضح و روشن است بمفاد ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین مینگارم.

بهرحال این مطلب نزد واقفین مسلم است قوانینی که پیش از این نزاع عالم سوز در میان هردولت وملت معمول بود سالهای مدید است که‌اصولش تاسیس‌شده و همواره در جرح وتعدیل وتغییر وتبدیل بوده و بالمآل که بمرتبه تکمیل بالغ شد بعد از وصول‌نتیجه وفور مفاسدش‌بر افراد بشر محتاج بهیچ برهان نیست وغیرکافی بودنش لزوم بهیچ دلیل‌نه بناء علی هذا صواب چنین مینماید که تاسیس این بنای عظیم‌الشان وتشکیل این بنیان کثیرالفواید باطلاع و تصویب اشخاص بصیر وفیلسوفان ماهرالتدبیریکه متانت رائیشان نزد هر آگاه خیرخواهی مسلم وحسن نیتشان نزد هر بی‌غرض منصفی مجسم و ذکاوت‌شان مکمل وسرعت نفوذ مقصد و مرامشان نزد هر هوشمند مائل‌اندیشی روشن و مشهود است نهاد تا چون پرده مفتریات برافکنده شود هویدا گردد که مطلوب ومرام هر دول است ومرغوب آرای هر ملل منتها آرزوی افرادبشراست وموجب الفت ومحبتشان با یکدیگر ای اهل عالم آیا وقت آن

©Afnan Library Trust, 2026

نرسیده‌است که‌از تقلید وتعصبات جاهلی و خودپسندی در راه استخلاص و آسایش همجنسان خود بگذریم ودر این چندروزه زندگانی از منفعت شخصی خیالی صرف نظر نمائیم و دو روزی بتفتیش وتحقیق امور همیشه‌گی جمهور وقت خودرا صرف کنیم. چه‌که نزد اولی‌الالباب‌پوشیده نیست که اثبات هر ادعائی بعداز آشکار نمودن آن نزد هرکس مسلم گردد مثلا اگر شخصی ادعا نماید که ساعت سازم وساعتی بسازد ویا بگوید طبیبم ودوایش مریضانرا شفا بخشد ویا بنویسد خطخوان وخطنویسم این افعال مثبت ادعای مدعی باشد پس عاقل را لازم چنین نماید که که تاسی بقانون مقننی نماید که افعال زمان آینده‌اش مثبت متانت وراستی اقوال گذشته بوده وهمچنین‌مندرجات در قانونش با علم وعقل‌وحقیقت وطبیعت و مقتضیات زمان ومکان وموجبات آسایش نوع انسان موافق باشد و چندان مطبوع جمیع طبایع باشد که هرکس از امیر وحقیر عالم وجاهل دین‌دار وبی‌دین غنی و فقیر مرد و زن شریف و وضیع مرید ومراد شرقی وغربی که‌علایق اوهام و خرافات‌را برید و پرده مفتریاترا درید و از دام تقالید و عادات رهید و بمعرفت جمال بی‌مثالش رسید چنان از لذایذ یقین و اطمینان مجذوب جمال مقصود گردند که از تعلق به آن از هیچ تهدید نهراسند و بیگانه از خویش نشناسند و بمرتبه حق‌الیقین رسند که جهانرا جهانی دیگر بینند و از وجدوشوق چنان بی‌خود شوند که در اجرا وانتشارش از هیچ زحمت وسختی بستوه نیایند بکمال اشتیاق و رغبت انفاق مال سهل است جان دریغ ندارند.

اکنون از قارئین محترم یك سئوال میشود که آیا نه هر چیزرا بعلامت وآثار توان شناخت آیا ممکن است که بزجر و توهین و قتل و غارت وتوبیخ کسی را قلبا معتقد کرد که آفتاب تاریك وسبب پژمردگی و مرارت موجودات است و یا شنیدن از دیدن و حس نمودن صحیح‌تر است آیا باوجودچنین قانونی سزاواراست که بمفتریات مدعیان بی‌هنر واذیت و توهین جاهلان بی‌مشعر کفایت نمود و آسایش مدامی موجوداترا محض عدم‌اطلاع مانع شده وبقدر خریدن یکخانه در جستجوی مرغوب و غیر مرغوب بودنش رسیدگی ننمود نه‌قسم بلذایذ دوستی وفواید راستی عقل هیچ ذی‌شعور بصیر و مائل اندیش خبیری چنین کیفیتی را تجویز ننماید و بالجمله چنانچه عرض شد چون هر چیزی بعلایم و آثار شناخته میشود و مقصود از خلق علایم وخواص و آثار هویدا و آشکار است و بنا بمثل مشهور «مشك آنست که ببوید نه آنکه عطار بگوید» و هم اگر کسی طالب رسیدگی وجستجو شد از اسم لولو و خورتان نهراسد ومعاینه بیند که اولا دیریست که افهامر زمان کودکی گذشته است (دویم) صیت

©Afnan Library Trust, 2026

عظمت ومطلوبی و جلالت وهیمنه وتفوق و کفایتش اقطار آفاق را احاطه نموده (سوم) نزد حکومتهای عاقل و روسای عادل عموما و حکومت شوروی خصوصا معلوم ومسلم گردیده است که منشاء جمیع افترا وتهمت-هائیکه بگروندگان این قانون نسبت داده و میدهند از جهلائی بوده که بلباس علما و پیشوایان در هر امت مشهود وهمواره سبب ضلالت عباد و فساد و خرابی بلاد باسم زهد و ورع مشهور بوده اند ودراین قضیه چون این امر را رافع استار واین روشنی راکاشف اعمال وافکار هر مکار دیدند بعد از هزاران ظلم وجور و اقسام توهین و غارت و ضرب و قتل و سوزانیدن آخرین وسیله و علاجشان بامثال این مفتریات منحصر گشته بوده است ولی عاقبت شکر و امتنان هر متنفسی را که افکار و اعمال مفسدین را بخودشان راجع گردانید و نیت و رفتار مصلحین را چون بدر طیب از زمستان موانع بعرصه بهار کثیر المنافع رسانید که هر روز از گوشه حدائقش گلی روبان و هر ساعت بر فراز اشجارش بابلی بامثال این نغمات مترنم وگویان است:

ایها الناس ما همه بشریم
هم زیك مادر و زیك پدریم
کل بیك صورت و بیك هیئت
هم ز یك صانع و زیك کهریم
نابکی دشمنی بیك دیکر
که باعضا چو عضو یکدگریم
کاروانیم در رباط وجود
عنقریب از رباط در گذریم
ایکه مانده چو فوج سرگردان
ما بمقصود رایت ظفریم
مردم اغنام و زاهدان چوذئ آب
ما شبان رایگان نه بهر زریم
ما طبیبان مسیح دورانیم
گرچه مردود قوم بی خبریم
در مذاق گروه اهل ولا
عطر و بادام و شیر با شکریم
پیش نه بهر امتحان قدمی
بین که، نخل صدق را ثمریم

س. ح.

مدیر مسئول موقتی: شیخ احمد نبیل زاده
ناشر: محفل شور بهائیان
پالتاراتسکی (عشق آباد)

Типография Туркменгосиздата. Туркменлит № 943. Тираж 800. Зак № 2779

©Afnan Library Trust, 2026

©Afnan Library Trust, 2026